

عاشقانه‌ای تازه با بازی «آنجلینا جولی»

مهر: فیلم سینمایی اقتباسی «همه تنه‌های نواخته شده» با اقتباس از رمان «لیپسانتو» با بازی «آنجلینا جولی» و «کریستوف والتس» ساخته می‌شود.
در این رمان که داستانش در فضای معاصر رخ می‌دهد، جولی در نقش «کارینا» ظاهر می‌شود که همسر سابق یک پیانیست موفق به نام «ریچارد» یا بازی والتس است. «مایکل سوسی» برای کارگردانی این فیلم انتخاب شده‌است.
ازسوابق کاری وی می‌توان به ساخت «به ۱۳ دلیل» و «واو» با بازی ریچل مک‌آدامز و چنینگ تیتوم اشاره کرد.
مونه کلیتون که از تهیه‌کنندگان فیلم‌است در کنار دیوید مندل، فیلم‌نامه فیلم را نوشته‌است.

نقد فیلم

نقد سینمایی «همیشه شیطان»

از مهم‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۲۰

قربانی‌های او

علی‌رقیعی وردتجانی / گروه فرهنگ و هنر Rafieia۹۱@yahoo.com

«همیشه شیطان» ساخته «آنتونیو کمپوس» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۲۰ است، فیلم به مثابه یک مکافات قبل از جنایت رویدادها را پیش می‌برد که این‌ بزرگ‌ترین تفاوت در ژانر است. بازسازی قصه براساس یک رمان همواره با چالش‌های فراوانی روبه‌روست که مؤلف تا حدودی از پس برانگیختن در دست احساسات بیننده بر آمده‌است. فیلم اشاره عمیقی به ساختار دوار هستی دارد و به خوبی نشان می‌دهد سرگذشت پدر یا مادر چگونه برای فرزندان تکرار می‌شود و مانند ژنی به نسل‌های بعد منتقل خواهد شد.

کشیش

در سکانس‌های ابتدایی فیلم می‌بینیم که کشیش متوهمانه با خدا سخن می‌گوید، با این توهم شیشه‌ای پر از عنکبوت را روی خود خالی می‌کند، خود را به مدت چند روز در اتاق تاریک و تنگی زندانی می‌کند و مدام او را صدا می‌زند، همسرش را به قتل می‌رساند یا این باور که خدا این قربانی را پذیرا می‌شود و به او جان تازه می‌بخشد. قربانی کردن و قربانی شدن تم فیلم‌است. «همیشه شیطان» که کشیش است که بابازی نسبتاًخوب راپرت پترسون همراه شده و نه انتقام جویی بر اساس یک هیجان روانی،بلکه ناآگاهی و تهایی آدم‌هایی است که به جای تفکر به توسل تکیه می‌کنند. کاراکترهایی که نه تعریف درستی از خدا دارند نه باور صادقانه‌ای. برای لذتجویی کسی را به زور اسلحه وادار به عکس گرفتن می‌کنند. البته فیلم‌نامه همچنان در بیان چرایی‌های رمان ابر است اما اشاره درستی به موعظه گران دارد؛ آنان که موعظه می‌کنند خود بیش از هر کس دیگری به موعظه نیازمندند.

ساختار

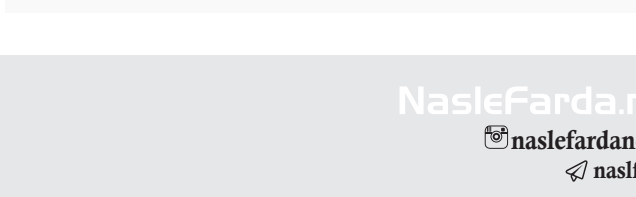
فیلم‌نامه «همیشه شیطان» دارای جاهای خیلی بسیاری است که بیننده از پر کردن آن عاجز می‌ماند. اساس قتل‌های سریالی که مر وونی با سوار کرن فرد اکتز جاده مانده چیست؟ شاید شکل جدیدی از سینما در ژانر نوآر باشد؛ اما یک ژانر هیجان‌انگیز بیش از هر قصه‌ای نیاز به پاسخ دارد. ساده‌گویی در تولید و پایداری یک عشقی از نقاط قوت فیلم‌نامه است. سرباز به سادگی عاشق خانم مهماندار می‌شود با او ازدواج می‌کند و بعد از آگاهی از بیماری او دست به دامن باورها می‌شود و سگ را در پیشگاه خدا قربانی می‌کند؛ او را از دست می‌دهد و در آخر خودکشی می‌کند. یک داستان عاشقانه که زواندن زده شده و سرآمد خرده پیرنگ‌هایی است که راوی با نریشن به موقع آن‌ها را تعریف می‌کند. اما دقیقاً کامل بودن این خرده پیرنگ، ناقص بودن دیگر خرده پیرنگ‌ها را زیر سؤال می‌برد و از طرفی پیرنگ اصلی که شناخت شخصیت پسر پچه‌ای است که محصول یک عشق افسرده بوده را سخت می‌سازد. در این لحظات است که قدرت ادبیات بر فیلم‌نامه‌ای که از آن اقتباس شده، می‌چرد. اقتباس به همان اندازه که لذت بخش و معناگراست می‌تواند ناکافی باشد. به همین دلیل است که بسیاری از رمان‌نویسان ازجمله «همیشگویی» اصرار داشتند بر فیلم‌نامه نظارت کنند. جدای از را یاد آثار «پل توماس اندرسون» می‌اندازد که مشخصاً «خون به پا خواهد شد» یکی از نزدیک‌ترین اشاراتی است که مؤلف به انباشت تجربی سینمایی خود داشته‌است.

مسیحیت وسینما

رشد عقلابی مسیحیت در رسانه سینما وابسته به نقد ریشه‌ای آن است. مسیحیت و باور به توسل، یکی از جاذبه‌هایی است که کارگردانان را مجاب به ساختن می‌کند. علاوه بر آنکه خود این مسئله دارای جذابیت است، قداست دین و مذهب را در نقدپذیری آن عنوان می‌کند. در «همیشه شیطان» قربانیانی وجود دارند که هنوز ماهیت خود را کشف نکرده، به بهانه نزدیکی با خداکنججه می‌شوند.نقد بزرگ فیلم به قداستی است که برای موعظه گران و کشیشان قائل می‌شوند. فیلم «تردید» ساخته جان پاترک شنلی، با بازی زیبا سیسوم هافمن به خوبی این عدم قداست واعظان را به نمایش می‌گذارد. «همیشه شیطان» با تکیه بر فرم چنین آثاری و بهره‌گیری از قصه یک رمان که آن را با لکتن بیان می‌کند، توانسته اثری خلق کند که با تجر بیات گذشته سینما در این حوزه متفاوت باشد.

عزیز ساقی آوایی، کرونا گرفت

ایلنا: هوشنگ جاوید (موسیقی پژوه) در صفحه شخصی خود از ابتلای یکی از شمشال نوازان موسیقی نواحی خبر داده‌ است.
هوشنگ جاوید نوشته است: عزیز ساقی آوایی، شمشال‌نواز کرد به دلیل ابتلا به کرونا در یکی از بیمارستان‌های شهر جوانرود واقع در استان کرمانشاه بستری است. عزیز ساقی آوایی در بیمارستان برای تقویت روحیه بیماران و کادر درمان شمشال می‌نوازد. شمشال، نوعی ساز بادی و گونه‌ای نی فلزی است و از سازهای قدیمی و نسبتاً مقدس در منطقه کردستان به‌شمار می‌رود.



فصل چهارم «فارگو»، اثر «نوا هاولی» با موضوع رقابت میان گروه‌های مافیایی

جنون آمیز و جاه‌طلبانه

به هیچ وجه نمی‌شود این حقیقت را نادیده گرفت که فصل جدید «فارگو» پر از نام‌های شجاعتی، چنین با سبک و سیاق خودش بزرگ و جزئیات فوق‌العاده‌ای که ساعت‌ها طول می‌کشد تا همه‌شان را بررسی کنید. گروه سیاه پوستان لسوی کانون (کریس راک) و گنگ ایتالیایی جوستو فادا (جیسون شوارتزمن) هر کدام با کاراکترهای کلیدی خود وارد میدان می‌شوند؛ کاراکترهایی که به شدت منحصر به فرد هستند و حتی عادات و خلق و خوی جان اینکه این حد از جاه‌طلبی نکته خوبی

است یا نه، بستگی به دیدگاه شما و دلیل اصلی‌تان برای تماشای این سریال دارد. فصل چهارم فارگو، دیگر مختص یک گروه خلاف کاری نیست؛ بلکه حالا تاریخ تمام گانگسترهای یک شهر را روایت می‌کند. طسی دهه‌های متعددی که در کانزاس سیتی خیالی سپری شده، قدرتمندترین خلاف‌کاران شهر به یک سنت عجیب پایبند هستند؛ دو تا از بزرگ‌ترین روسای گانگستری پسرهای خود را با یکدیگر معاوضه می‌کنند. این سنت با این عقیده بنا شده که چنین معامله‌ای توازن قدرت ایجاد نموده و بین گروه‌ها صلح برقرار می‌سازد.

اما طی تمام این سال‌ها سنت مذکور فقط وسیله‌ای بوده تا خانواده‌های خلاف‌کار در کانزاس سیتی با روش‌های خلاقانه‌تری یکدیگر را نابود کنند.

می‌کند تا ما به عنوان مخاطب لحظه‌ای توقف کنیم و هسته و قلب فارگو را مورد واکاوی قرار دهیم.

اصلاً چرا ما مردم به داستان‌های خلاف‌کاری و جنایی این‌قدر علاقه داریم؟ چرا هواداران ماجراهای گانگستری و جنگ‌های خونین میان آن‌ها زیاد است؟ و مهم‌تر اینکه در این بلیشو کدام شخصیت‌ها دل مخاطب را به دست می‌آورند و کدام زیر-چکمه‌های تنفر و تعصب ما خرد می‌شوند (و چرا)؟

از بسیاری از جنبه‌ها، فصل چهارم سریال Fargo مثل یک پتل رویال گسترده است که نهایتاً جایزه آن چنانی به کسی نمی‌دهد. برندگان جنگ گانگستری به عنوان «آمریکایی» شناخته می‌شوند و کمی آزادی به دست می‌آورند اما بازنده‌ها در سایه مرگبار «بقیه» بودن گم می‌شوند و هویت اصلی خود را می‌یازند.

فارگو، در اینکه لسوی کانون دقیقاً کجای

این جنگ ایستاده، اصلاً مر تکب اشتباه نمی‌شود. او و مردانش به‌ه خاطر رنگ پوست‌شان سوی بازنده میدان هستند و تاریخ دهه ۵۰ میلادی بر همین مسئله شواه است. اما با این اوصاف آن‌ها هم چنان باید پا به میدان مبارزه بگذارند و با جان و دل برای پیروزی تلاش کنند.

به نقل از «گایلا کاب» نویسنده وب‌سایت Decider «فصل چهارم Fargo به هم ریخته و پر از آشوب است؛ چراکه آمریکا به هم ریخته و پر از آشوب است». در اواسط قرن بیستم واقعا هر کسی حق صحبت یا حتی «آمریکایی بودن» نداشت و رنگ پوست یا در پاره‌ای از موارد، جنسیت این موضوع را تعیین می‌کرد.

اما احتمالاً به تصویر کشیدن این آشوب و جنگ‌های نابرابر این‌قدر ضروری به نظر می‌رسد. سازندگان فارگو نیز به خوبی این مسئله را درک کرده‌اند و با هنری هرچه تمام‌تر آن را به تصویر کشیده‌اند.

تمدید تعطیلی مراکز فرهنگی وهنری تهران

ایسنا: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صنف همکار، براساس مصوبه جدیدستاد مقابله با کرونای تهران از محدودیت‌های اعمال شده در پایتخت برای مقابله با بیماری کرونا تبعیت و به مدت یک هفته دیگر تعطیلی مراکز فرهنگی هنری را تمدید کرد.
باتوجه به تصمیم ستاد مقابله با کرونای تهران تعطیلی مراکز محل تجمع چون سینماها، کتابخانه‌ها سالن‌های نمایش، آموزشگاه‌های هنری و… برای یک هفته دیگر تمدید شد.
وزارت فرهنگ و ارشاد نیز به منظور صیانت از سلامت جامعه، از محدودیت‌های اعلام شده تبعیت می‌کند؛ بنابراین این این مراکز به مدت یک هفته دیگر یعنی از ۱۹ تا ۲۵ مهرماه تعطیل خواهد بود.



فصل چهارم سریال Fargo خواسته‌های جاه‌طلبانه و خارج از عرفی دارد و تا حد بسیاری موفق به حصول آنان شده‌است. اگر احیاناً این سریال را تا پایان فصل سوم دنبال کرده‌اید و به آن علاقه دارید، پس از دست دادن فصل چهارم که نقطه اوج سریال است، منطقی به نظر نمی‌رسد.

Fargo مجموعه‌ای در ژانر کمدی سیاه، جنایی و درام است که بر اساس فیلمی به همین نام (اثر برادران کوئن) ساخته شده است. کارگردانی این مجموعه تلویزیونی بر عهده «نوا هاولی» است و خود «برادران کوئن» تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارند.

این سریال باز یگران فوق‌العاده مطرح و باکیفیتی چون بیلی باب تورنتون، مارتین فرمین، آلیسون توملن، کالین هنکس، کرسنتین دانست، باب ادنکیرک، یوان مک‌گرگور، پاتریک ویلسون و کری کون را در خود می‌بیند.

آمریکا با ویروس کرونا انتقاد می‌کند. ترامپ اخیراً در صفحه تویترش خطاب به مردم نوشت که نباید از ویروس کرونا بترسند. این در حالی است که ویروس حمایت اخیر خود از «پابن» ارجاع می‌دهد. او برای اولین بار از یک نامزد ریاست جمهوری به پشتیبانی می‌پرداخت. پس از این اقدام، بسیاری از مخاطبین او که طرفدار «دونالد ترامپ» بودند برآشفتنند و صفحه اینستاگرامش را مورد هجوم قرار دادند. جانسون در یکی از پست‌های اینستاگرامش از نحوه مقابله دولت

کمی وقار، و احترام و همدلی. حتی وقتی به زبان

آوردن حقیقت موجب ایجاد بحث‌هایی شود که کمی دیگران را ناراحت کند. «جانسون به روشنی به حمایت اخیر خود از «پابن» ارجاع می‌دهد. او برای اولین بار از یک نامزد ریاست جمهوری به پشتیبانی می‌پرداخت. پس از این اقدام، بسیاری از مخاطبین او که طرفدار «دونالد ترامپ» بودند برآشفتنند و صفحه اینستاگرامش را مورد هجوم قرار دادند. جانسون در یکی از پست‌های اینستاگرامش از نحوه مقابله دولت

نخستین مرد آمریکایی با ۲۰۰ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرم معرفی شد

از سینما و نه موسیقی

سی نما: «دووبن جانسون» این هفته با ۲۰۰ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام عبور کرد. او هشت اکتبر با اارسال ویدیویی، رسیدن به این سطح و تبدیل شدن به اولین مرد آمریکایی با بیش از ۲۰۰ میلیون دنبال‌کننده را جشن گرفت. به گزارش ۳۰، حال حاضر «کریستیانو رونالدو» با ۲۳۸ میلیون

اکران جهانی

نمایش فیلم سینمایی «یلدا»

در ۸۷ سینمای اروپا آغازشد

روایتی از قصاص و ماه عسل

ایسنا: فیلم سینمایی «یلدا» به نویسندگی و کارگردانی مسعودبخشی، پس از درخشش در جشنواره‌های جهانی، این هفته در ۸۷ سینما در فرانسه و لهستان روی پرده می‌رود.

به گزارش همشهری آنلاین به نقل از اسکرین، شرکت فرانسوی پیرامید حق پخش این فیلم تحسین‌شده را بر عهده دارد و اگر «یلدا» پس از نمایش جهانی و بین‌المللی در ایران هم اکران شود، می‌تواند یکی از گزیده‌های حضور در رقابت اسکار ۲۰۲۱ به نمایندگی از سینمای ایران باشد. هر چند آلمان، سوئیس، لوکزامبورگ و لبنان هم جز ایران و فرانسه در تولید «یلدا» نقش داشته‌اند.

بخشی در این درام اجتماعی سراسر یک موضوع ملتهب رفته و به نظر می‌رسد شیفتگی جشنواره‌هایی چون برلین و ساندنس و کارلووی‌واری و ونکوور و ورشو به یک ناشی از به تصویر کشیدن این داستان درباره قتل و قصاص باشد. ماجرا درباره دختری ۲۲ساله به نام مریم است که شوهر ۶۵خود ناصر را می‌کشد و به اعدام محکوم می‌شود. تنها کسی که می‌تواند مریم را از طاب دار و قصاص برهاند مونا، دختر ۳۷ساله مقتول است.

در این میان، مونا باید در یک برنامه محبوب و پربیننده تلویزیونی حضور یابد و برابر دیدگان بینندگان قاتل پدر خود را ببخشد؛ اما این پایان ماجرا نیست و… یکی از ایده‌های ابتدایی برای نگارش داستان و فیلم‌نامه «یلدا» به احتمال زیاد «ماه عسل» است و تصویری که از حضور قهرمانان داستان در فیلم منتشر شده، بیننده را یاد برنامه جنجالی احسان علیخانی می‌اندازد. صدف عسگری، بهناز جعفری با یک کریمی، فرشته صدرعرفایی، فروغ قجابگیلی، آرمان درویش و فرشته حسینی بازیگران «یلدا» هستند.

فیلم ۸۹دقیقه‌ای «یلدا» جایزه بزرگ هیئت دارون جشنواره معتبر ساندنس را برده و در یکی از بخش‌های رقابتی جشنواره برلین هم به نمایش در آمده است. جایزه بهترین فیلم‌نامه از جشنواره صوفیا دیگر افتخار بین‌المللی فیلم است که علی مصفا در جمع تهیه‌کنندگان آن حضور دارد و فقیهه سلطانی و بهرام افشاری هم در «یلدا» ایفای نقش کرده‌اند. فیلم بخشی، از چند روز پیش در فرانسه به نمایش عمومی درآمده و از روز جمعه در لهستان نیز روی پرده می‌رود.

لقسه کتاب

احمد حیدری، نوشته کیهان‌خاتجانی را از ایران به جهان عرب برد

انتشار ترجمه عربی‌رمان «بندمحکومین» در کویت

همشهری آنلاین: رمان «بند محکومین» نوشته کیهان خاتجانی توسط احمد حیدری، به زبان عربی ترجمه و توسط انتشارات تکوین کویت منتشر شد.
ناشر کیی رایت ترجمه را با وجود تحریم‌ها پرداخت کرده است.

رمان «بند محکومین» نوشته کیهان خاتجانی توسط احمد حیدری مترجم سرشناس عرب به زبان عربی ترجمه و توسط انتشارات «تکوین» کویت و با همکاری انتشارات «الرافدین» چاپ شد و از ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰ در کشورهای عرب‌زبان پخش خواهد شد.

احمد حیدری، مترجم این رمان که خود متولد کویت بوده، پیش از این آثار دیگری را از فارسی به عربی ترجمه و نشر داده است از جمله «سفرنامه اصفهان نصف جهان» اثر صادق هدایت، «چشم‌هایش» اثر بزرگ علوی، «دایی جان ناپلئون» اثر ایرج پزشک‌زکا، «زندگی‌نامه ادبی فروغ» اثر فرانزه میلانی، «نوشتن با دوربین» گفت‌وگو با ابراهیم گلستان و… کیهان خاتجانی در خصوص این خبر گفت: ترجمه این رمان دو سال طول کشید و در طول این مدت مترجم تماس می‌گرفت و درباره برخی از اصطلاحات صحبت می‌کردیم. با توجه به لحن‌محور بودن این اثر، سه ویراستار آن از کشورهای مختلف عرب‌زبان بودند تا رمان زبانی قابل درک برای تمام عرب‌زبانان داشته باشد. خوشحالم که یکی از بهترین مترجمان و ناشران عرب ترجمه و چاپ این رمان را بر عهده داشته‌اند. با اینکه متأسفانه کشور ما عضو قانون کیی‌رایت نیست؛ اما ناشر اخلاق حرفه‌ای را رعایت کرد و قرار دادی در دو نسخه عربی و انگلیسی فرستاد و حق‌التالیف چاپ اول را با وجود تحریم‌ها به دست رساند. انتشارات «تکوین» به شکل تخصصی به ترجمه و نشر آثار ادبی و فلسفی نویسندگان جهان پرداخته است؛ از جمله کافکا، سیلوپایلات اریکامانوئل اشمیت، تولستوی، اسکار وایلد، مارک تواین، نیچه، بونگ، فروید، جوزف کمبل و غیره و از میان آثار فارسی، گزیده شعرهای سهراب سپهری را منتشر کرده است. ترجمه احمد حیدری از رمان «دایی جان ناپلئون» به عنوان بهترین رمان ترجمه شده به عربی انتخاب شد. مقاله‌های وی در روزنامه‌های عربی منتشر می‌شود از جمله: روزنامه الدستور اردن، روزنامه القیس کویت، روزنامه بلد لبنان، روزنامه العرب قطر، مجله مسرحیون، مجله شارع المتنبي، مجله التراث امارات و مجله المشاهد در لندن و غیره.

یادداشت

وحدت، فردین و ملک‌مطیعی

سرمایه‌هایی که از دست رفتند

احمد طالبی‌نژاد

منتقد و مدرس سینما

نصرت‌اله وحدت هم مثل زنده‌یادان فردین، ملک‌مطیعی و چندین نفر دیگر قربانی قضاوت‌های نادرست شدند. قضاوت‌هایی که ناشی از یک شور انقلابی در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ بود و خیلی‌ها را خانه‌نشین و گوشه‌نشین و حتی به اعتقاد هم دق مرگ کرد. در حالی که خیلی از هم‌نسلان این‌ها توانستند با پندبازی از این مهلکه نجات پیدا کنند و خودشان را به فضای بعد از انقلاب برسانند و جایگاه‌شان را تثبیت کنند و حتی در بعضی موارد نورچشمی بعضی مقامات هم شدند.

در مورد آقای وحدت هنوز هم قضاوت‌ها توام با آگاهی و طمأنینه نیست و گاهی از سر کینه و گاهی هم از سر دوست داشتن یک‌طرفه است و گاهی هم تا حدودی منطقی.

وحدت کم‌دین بود؛ یک تیپ نسبتاً ثابت که تلفیقی بود از تیپ‌هایی که در کمدی‌های ایتالیایی می‌دیدیم به اضافه چیزی که در تاریخ تئاتر ایران موسوم است به کمدی سبک اصفهان. یعنی در واقع نوعی کمدی که تکیه‌اش بر حرکت و موقعیت به آن معنا نیست و بیشتر بر کلام متکی است. یعنی کمدی کلام به تعبیر دکتر پرویز ممنون که یکی از محققان تئاتر اصفهان است در کتاب تاریخ تئاتر اصفهان، تکیه این سبک بر دیالوگ و حرف است. همان سبکی که زنده‌یاد ارحام صدر دوست در برینه آقای وحدت داشت؛ یا مثل کارهایی که الان برخی از شاگردان آقای ارحام‌صدر مثل آقای حسن اکلبلی، رشید و… انجام می‌دهند. نمایش‌هایی که از این افراد در تلویزیون پخش شده اگر بدون صدا ببینید هیچ موقعیت خنده‌داری ندارد. در حقیقت کمدی موقعیت و حرکت نیست. بیشتر حرف‌هاست که بازه‌و خنده‌دار است. شکل رشد یافته، درست و منطقی این سبک کمدی «قصه‌های مجید» آقای پورا احمد است که خیلی متأثر از سبک اصفهانی بود.

آقای وحدت، کمدینی بود که با تلفیقی از این جنبه‌ها توانسته بود به یک هویت فردی برسد و برای صنعت سینما همین کافی بود. ما در سینما دو مشکل اساسی داریم؛ یک اینکه کم‌دین‌ها همان را خیلی‌جسدی نمی‌گیریم در حالی که «انیشیتین» درباره بزرگ‌ترین کم‌دین تاریخ سینما «چارلی چاپلین» می‌گوید؛ یا از من خدمت بیشتری گرفته است. نمی‌گویم نصرت‌اله وحدت، با کمدی‌هایی که می‌ساخت به جامعه خدمت می‌کرد ولی یک موضع انتقادی داشت که متأسفانه رفتاری که نقد می‌کرد به اسم خودش تمام شد. فکر کرد خودش این طور آدمی است؛ یک مرد زن‌باره هوس‌ران که دچار مخممه می‌شود. در حالی که بر خلاف فیلم‌هایش خود وحدت آدم خانواده‌دوست و خانواده‌داری بوده او در واقع با این فیلم‌ها به نقد جامعه مر دسالار ما در آن روز و روزگار پرداخته که این به نظر من نکته قابل بحثی است. این درست همان اتهامی است که به زنده‌یاد نصرت کریمی زدند. درحالی که او هم با کمدی‌هایی که می‌ساخت، در واقع با موضع انتقادی به روابط زناشویی و روابط خانوادگی این روز نگاه می‌کرد. فیلم‌های وحدت هم ویرکرد انتقادی داشت برای مردها و بعضی زن‌هایی که مشکل اخلاقی داشتند. این نکته‌ای است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده و باعث شد که او را خانه‌نشین کردند.

این درحالی‌است که وحدت می‌توانست با خلق فیلم‌هایی که در فضای بعد از انقلاب شاید یک مقدار جدی‌تر هم می‌شد، به صنعت سینمای ایران کمک کند.

نمی‌دانم واقعاً چه کسانی تصمیم گرفتند که این افراد باید حذف شوند و برخی دیگر که نوجه‌های این‌ها بودند ادامه بدهند. من روزهایی را به یاد می‌آورم که در اداره تئاتر رفت‌وآمد داشتم و شنیدم که یک تعداد از بازیگران قدیمی تئاتر با مدیر اداره تئاتر جلسه دادند. این‌ها کسانی بودند که چون در سینما ممنوع فعالیت شده بودند، در لاله‌زار تئاترهای اله‌لزاری اجرا می‌کردند. آقای وحدت، بهمن مفید، مرتضی عقیلی، اصغر سمسارزاده و خیلی‌های دیگر بودند. از اتفاق آن مدیر وقت صدای الله اکبر بلند شد، وقتی در بار شد این‌ها را دیدم که همه با حالت افسرده و غمگین صحبت کنند که اجازه بگیرند تا تنها منبع درآمد زندگی‌شان که همین کارگردانی و بازیگری در تئاتر است را ادامه بدهند. بعد از آن من دو، سه باری آقای وحدت را دیدم که آخرین بار در جشن منتقدان چندسال پیش بود.

نصرت‌اله وحدت، یک ستون از ستون‌های صنعت سینمای ایران بود و می‌توانست ادامه بدهد. اینکه می‌گویم صنعت سینما ما نباید در واقع در کاری که اسمش صنعت است فقط به نخبه‌گرایی توجه کنیم. صنعت سینما یعنی همه فیلم‌ها حتی فیلم‌هایی که عامه مردم نمی‌تواند سرگرم کند و واقعیت این است که من نیز بعد از انقلاب جزو مخالفان آقای وحدت و امثال ایشان بودم و فکر می‌کردم این‌ها ضد سینما و ضد هنر کار کردند و باید محکوم شوند ولی داریم می‌بینیم که یک روز هنر تر می‌وی و می‌شود و بی کمالات‌تر آمدند و حتی گاهی عقب‌تر از آن‌ها هم سیر می‌کنند و از آن‌ها حمایت هم می‌شود. وحدت هم مثل فردین و ملک‌مطیعی سرمایه‌هایی بودند که سینمای ایران آن‌ها را به راحتی از دست داد. منبع: خبر آنلاین